

نگاه

آيين‌نامه جديد تعرفه حق‌الوکاله گامی رو به جلو

سيدمهدی حجتی . وکیل دادگستری

● اخيرا متن آيين‌نامه جديد حق‌الوکاله و حق‌المشاوره وکلای دادگستری که به امضای رئيس قوه قضائيه رسیده است، به صورت غیررسمی و قبل از انتشار در روزنامه رسمی کشور، در فضای مجازی و برخی از سايت‌های حقوقی منتشر شده است.

منصرف از برخی ايرادات و اشکالات وارده بر اين آيين‌نامه که پرداختن به آنها از حوصله اين مجيزه خارج است، اين مقرره باعث تغيير ارقام و رديف‌های مربوط به حق‌الوکاله و نه حق‌المشاوره وکلای دادگستری که بيش از ۱۳ سال دست نخورده باقي مانده بود، شد.

مبالغ و ارقام مندرج در آيين‌نامه تعرفه سال ۱۳۸۵ به واسطه توروم رو به تزايد سه‌ساله‌های گذشته در کشور، هيچ انطباقی با واقع نداشت و باعث متروک شدن آن آيين‌نامه شده بود. مفاد آيين‌نامه سابق حتی در زمان تصويب نيز تناسبی با واقعيت و ارزش حقيقي خدمات وکلای دادگستری نداشت و اسباب وهن جامعه وکالت کشور بود به نحوی که مبالغ مندرج در آن آيين‌نامه، نه مورد قبول ادارات دارایی و نه قبضات دادگستری و نه حتی موکلان به عنوان ذی‌نفع بود و وکلای دادگستری نيز عملا نمی‌توانستند از اين آيين‌نامه به واسطه غيرواقعی بودن مبالغ و ارقام مندرج در آن تبعيت کنند و مثلا برای وکالت در پرونده قتل عمدی، حداقل از ۳۰ هزار تا حداکثر ۵۰۰ هزار تومان، حق‌الوکاله دریافت کنند.

آيين‌نامه جديد تعرفه حق‌الوکاله، مبالغ را واقعی‌تر کرد و با به‌روزکردن ارقام مندرج در آيين‌نامه سابق، یکی از اشکالات مربوط به روند امور مالی وکلای دادگستری را در تعامل با شهروندان، سازمان امور مالیاتی و دستگاه قضا را مرتفع کرد و از اين جهت باید آيين‌نامه جديد را گامی رو به جلو نه فقط برای وکلای دادگستری بلکه برای مردم دانست.

شایان ذکر است که آيين‌نامه سابق تعرفه حق‌الوکاله، موجبات خسران موکلان را فراهم می‌کرد و چنانچه ايشان در دعوائی که با حضور وکلای دادگستری اقامه کرده بودند، محکوم‌له واقع می‌شدند یا با دفاع وکلای دادگستری در دعوائی که علیه ايشان طرح و اقامه شده بود، پيروز می‌شدند؛ امکان مطالبه عین حق‌الوکاله پرداختی به وکیل خویش یا رقمی نزديک به آن را از باب تسبیب به عنوان یکی از خسارات دادرسی از طرف دعوی خویش نداشته و باید به مبلغی معادل تعرفه پسندۀ می‌کردند و هر مقدار هم که دعوی ايشان، دعوی پرهزينه و بزرگی بود، امکان مطالبه مبلغی بيش از ۲۰۰ ميليون تومان در دعاوی مالی و بيش از ۵۰ هزار تومان در دعاوی غیرمالی مانند دعوی طلاق از طرف دعوی برای ايشان فراهم نبود.

علاوه بر اين، رقم حق‌الوکاله قابل پرداخت به وکیل در آرای صادره از محاکم که از باب تسبیب و به عنوان خسارات دادرسی مورد حکم قرار می‌گرفت نيز معکول و مراجع را نسبت به وکلای دادگستری بدبين می‌کرد و البته دستاویز خوبی برای حمله به وکلا توسط افراد مغرض در برخی رسانه‌ها و از جمله رسانه ملی بود.

از طرفی ديگر باید توجه داشت که عدم اصلاح آيين‌نامه تعرفه حق‌الوکاله، باعث می‌شد زحمات وکلای دادگستری در مقام انجام وکالت‌های تسخیری و معاضدتی بلاجبران باقی بماند؛ در حالی که وکلای دادگستری در مقام انجام وکالت‌های معاضدتی و تسخیری، استحقاق دریافت مبالغی بسيار بيشتتر از ارقام ناچيز مندرج در آيين‌نامه سابق تعرفه حق‌الوکاله وکلای دادگستری را در راستای ارائه خدمات خویش به افراد نیازمند داشتند.

به علاوه مراجع دولتی، بانک‌ها و شرکت‌های وابسته به دولت در مقام انجام امور حقوقی خود توسط وکلای دادگستری، آيين‌نامه تعرفه حق‌الوکاله را مملک قرار می‌دهند و جز در موارد استثنائی، اصولا مبلغی مازاد بر تعرفه به وکلای دادگستری پرداخت نمی‌کنند و طبیعی است که همین نقیصه باعث می‌شد وکلای مجرب و باسابقه دادگستری، تمایل کمتری به همکاری با اين مراجع داشته باشند.

لازم به ذکر است که آيين‌نامه جديد تعرفه، چالش‌های روزمره وکلا را با صاحب‌منصبان قضائیی از حيث درج ارقامی که به عنوان حق‌الوکاله برای ايشان قابل قبول نبود، به شدت کاهش می‌دهد و اين ميزت را دارد که ادارات دارایی و نيز که تميرهای مالیاتی وکلا برای محاسبه مالیات شغلی ايشان، غير قابل استناد می‌دانستند، مجاب به قبول تميرهای ابطالی به عنوان مبنای محاسبه درآمد سالانه کرده و بيار اثبات درآمدی بيش از تعرفه را عملا بر عهده ميزمين مالیاتی می‌گذارند.

اقتصاد

کارشناسان در گفت‌وگو با «شرق»، ضرب‌الاجل‌های بازنگری بودجه در شرایط بحران را پیشنهاد دادند

تصميم ختير سران قوا

شرق: سقوط آزاد قيمت نفت به زیر ۲۰ دلار (هرچند برخی پيش‌بيني‌ها از بازگشت به کانال ۳۰ دلاری تا یک ماه آینده حکايت دارد) از یک سو و بحران ريزش جدی نگاه‌های اقتصادی در پی شيوع ویروس کرونا و رکود کم‌سابقه‌ای که نه تنها بر ايران که بر جهان حاکم شده و همچنین افت درآمد خانوار در پی بی‌کاری‌های احتمالی و تعديل در بنگاه‌ها از سوی ديگر، وضعيت مالیات‌ستانی دولت را چه از بنگاه‌ها و چه از ناحیه مالیات بر ارزش‌افزوده کالاها، دچار چالش جدی کرده است.

اين در حالی است که بودجه سال ۱۳۹۹ بر اين دو پایه بنیان شده و حالا با بنیان‌هایی شکننده، نیازمند بازنگری است. هرچند تدوین

اقتصاد ايران در میان برزخ

غلامرضا نظرنيلند، اقتصاددان



اینگ که هم کرونا و هم سقوط آزاد قيمت نفت به جان اقتصاد خسته ما افتاده است، نیازمند بازنگری در اولويت‌های بودجه هستيم. کرونا نه‌تنها چهره جهان را تغيير داده که رشته‌های از انگاره‌ها، گفتمان، پروتکل‌ها، روش‌ها، رویکردها، مناسبات و سازوکارها را هم به چالش کشيده يا به ضرورت بازنگری آنها حکم رانده است. اکنون در پياده‌سازی و پاس‌کرونا قرار گرفته‌ايم. اشکال جنين دوره‌هایی برزی در آن است که نظم موجود بدون آنکه جایگزینی باید، رنگ می‌بازد. چنین وضعیتی به‌خـلا انتظام بخشی می‌انجامد و نامعلومی و نااطمینانی (ambiguity & uncertainty) را که منشأ ریسک است، به همراه می‌آورد.

قرارگرفتن کشور، به‌ویژه اقتصاد آن، در وضعیتی فوق‌العاده، نیازمند اتخاذ تصمیمات ویژه‌ای است؛ به‌طوری‌که دولت وظیفه پیدا می‌کند که بی‌درنگ با تشکیل ستادی با مرکزیت خود و با مشارکت همه نهادهای عمومی غیردولتی و مراجع ارتزاق‌کننده از بودجه عمومی و بهره‌گیری از نظرات کارشناسی جمه‌هور ازبنا خیره و فن ازطریق «فراخوان ملی»، به دقایق وضعیت برزی حادث‌شده در اقتصاد کشور شناخت لازم پیدا کند و با استخراج و احصای متغیرهای مرتب و بسپک‌های متصور، تأثیرات آنها بر وضعیت معیشتی مردم و کسب‌وکار آنان را مورد ارزیابی دقیق قرار دهد. ستاد آنکه باید بر پایه نتایج حاصل‌شده و با محوریت راهبرد و رویکرد «تاب‌آوری حداکثری» در اسرع وقت حول محور بودجه ۹۹ «برنامه‌ریزی پیش‌آمدی» (با اقتضائی contingency plan) را محقق و آن را عملیاتی کند. موفقیت چنین برنامه و عملیاتی در گرو وایداه و نپایداهایی است که به آنها اشاره می‌شود:

۱- لازم است دولت با فائق‌آمدن برضعف‌ها و کاستی‌هایش، زمام امور ستاد را با قاطعیت به دست بگیرد و با کنارگذاشتن ملاحظات، تعارفات و مصلحت‌اندیشی‌های دست‌وپاگیر، دست رد

تمرکز بر سیاست‌های مالی انبساطی راه نجات اقتصاد مجید شاکری، کارشناس اقتصادی

برای برون‌رفت از شرایط فعلی می‌توان سناریوهایی مقابله‌ای انتخاب کرد و طرف تقاضا را جوری تحریک کرد که شاهد افت فعالیت اقتصادی و سقوط آزاد در درآمد‌های مالیاتی دولت باشیم. در سالی که گذشت (یعنی سال ۹۸) به اندازه کل درآمد نفتی عملا اوراق منتشر کردیم. این مسئله خیلی تفاوتی جدی در وضعیت اقتصاد ایجاد نمی‌کند و شرایط اقتصادی بسته به سناریوی مقابله‌ای که انتخاب می‌کنیم، تغییر خواهد کرد. اگر سناریوی مقابله‌ای این باشد که فرظینه تک‌دمی و بسته حمایتی برای اقتصاد در نظر بگیریم، قطعا دچار مشکل می‌شویم، اما اگر سناریوی مقابله این باشد که روشی انتخاب کنیم که هجرمان حداکثر فاصله‌گذاری وجود داشته باشد و اقتصاد بچرخد، دچار مشکل نمی‌شویم.

خیلی ساده درباره اثر کاهش قیمت نفت و کرونا بر اقتصاد ایران نمی‌توان اظهارنظر کرد. معتقدم برای تحریک تقاضای کل دو دسته سیاست در ایران و دیگر کشورهای جهان قابل اعمال است. اتخاذ سیاست‌های پولی انبساطی به معنای آنچه از طرف بانک مرکزی اعمال می‌شود و سیاست مالی انبساطی در چنین شرایطی قابل اجراست. واقعیت این است که ما برای هرودی این سیاست‌ها ظرفیت خوبی داریم. با توجه به نوع رفتاری که دولت با پایه پولی در سال ۹۸ داشته است، مازاد ذخایر قابل توجه در بازار بین‌بانکی وجود دارد که خود را به‌صورت نرخ پایین ذخیر در بازار بین‌بانکی نشان می‌دهد. این مسئله تا حدی دست بانک مرکزی را برای اجرای سیاست‌های پولی انبساطی باز کرده است تا نرخ ۷۵ هزار میلیارد تومان را به‌صورت نرخ ترجیحی قرار دهد. (بدون اینکه اکنون بخواهم توضیح بدهم که دادن نرخ ترجیحی روی تسهیلات درست است یا خیر).

سازد گذشته با وجود اینکه دولت ۱۶۸ هزار میلیارد تومان اوراق به‌روش‌های گوناگون منتشر

بر سینه لابی‌گری‌های اخلاکر بزند و حداقل تا زمان عادی‌شدن شرایط از تخصیص بودجه هر سازمان و نهادی که در اولویت قرار ندارد، پرهیز و حتی‌المقدور آن را درراستای موارد اولویت‌دار کارسازی کند.
- پاید از سد محدودیت‌های بین‌المللی به‌دلیل تحریم‌ها، به‌ویژه تحریم‌های ثانویه، عبور کرد. ضرورت دارد دولت سکان سیاست خارجی را به قبضه کامل خود در آورد و از فرصتی که کرونا به‌عنوان دشمن مشترک همه جوامع‌نیان فراهم آورده و آنها را در ضدیت با خود به وحدت رسانده است، استفاده کند و گامی اساسی و تاریخی در راستای سدشکنی پیش‌گفته بردارد. درحالی‌که اینها که مثل برگ پاییزی به زمین می‌ریزند عدد نیستند. انسان‌اندا آنکه جایگزینی باید، رنگ می‌بازد. چنین وضعیتی به‌خـلا انتظام بخشی می‌انجامد و نامعلومی و نااطمینانی (ambiguity & uncertainty) را که منشأ ریسک است، به همراه می‌آورد.

قرارگرفتن کشور، به‌ویژه اقتصاد آن، در وضعیتی فوق‌العاده، نیازمند اتخاذ تصمیمات ویژه‌ای است؛ به‌طوری‌که دولت وظیفه پیدا می‌کند که بی‌درنگ با تشکیل ستادی با مرکزیت خود و با مشارکت همه نهادهای عمومی غیردولتی و مراجع ارتزاق‌کننده از بودجه عمومی و بهره‌گیری از نظرات کارشناسی خرج ۸۵ میلیون انسان را بدهیم. باید گوشه‌چشمی هم به واردات و صادرات داشته باشیم. در فضای هیستریک چنین امری محقق نمی‌شود.

۱- با رویکرد کمینه‌سازی مصارف و بیشینه‌سازی منابع، تعدیلات لازم را باید در بودجه ۹۹ انجام داد. ضرورت دارد با استفاده از فرصت‌های ایجادشده مانند نیاز جامعه به یک رشته از اقلام بهداشتی و راه‌اندازی خطوط تولید متناسب با نیازهای به‌وجودآمده در حوزه سلامت و دیگر حوزه‌ها، اشتغال‌زایی و درآمدزایی‌های جایگزین، فرصت‌های ازدست‌رفته را ایجاد کرد. بدیهی است که تامین منابع درآمدی جدید لزوما در گرو ایجاد خطوط تولید جدید نیست و برای مثال، می‌تواند به مازاد کالایی ناشی از تغییر الگو یا کاهش مصرف (نظیر حامل‌های انرژی) هم تعمیم یابد و محلی برای صادرات و کسب درآمد‌های ارزی جدید شود.

لایحه بودجه براساس فروش یک میلیون بشکه نفت در روز آن هم نفت ۵۰دلاری در هر بشکه، برای کشوری که از سال ۹۷ دوباره در تحریم‌های جدی نفت قرار گرفته بود، تحقق نیمی از درآمد‌های بودجه دو هزار هزار میلیارد تومانی (۲۰۲۶۶۵۳۴۳۷۱۰۰۰۰۰) را بی‌شابهت به خواب و خیال نمی‌کرد، اما حالا با رخداد اخیر، به نظر می‌رسد نیازمند تصمیم جدیدی برای تنظیم بودجه در شرایط فورس‌ماژور باشیم. البته برخی کارشناسان معتقدند نیازی به تنظیم لایحه بودجه‌ای دیگر برای شرایط فورس‌ماژور نیست و دولت می‌تواند با اجازه‌های قانونی که در قانون بودجه در نظر گرفته شده، شرایط موجود را مدیریت کند. با این حال، نقطه اتکای

آیا بودجه سال ۱۳۹۹ دولت به‌بازنگری نیاز دارد؟

محمدتقی فیاضی، کارشناس اقتصادی



با گسترش کرونا در دنیا و مشخص شدن برخی پیامدهای آن، بعضی‌ای دولت‌ها بسته‌های حمایتی درنظر گرفته‌اند که نمونه بارز آن بسته دوتریلیون دلاری دولت آمریکاست (که با فروش اوراق قرضه دولتی تأمین خواهد شد). با اقدامات سایر کشورها، نگاه‌ها به سمت اقدامات دولت ایران معطوف شده است. واقعیت این است که با وجود تحریم‌ها، خالی‌شدن حساب ذخیره ارزی و صندوق توسعه ملی و تداوم رکودهای عمیق چندساله توان مالی دولت به‌شدت تحلیل رفته و انتظار کمک دولت به اقتصاد کشور چندان واقع‌بینانه نیست. بودجه دولت نیز با آغاز دور جدید تحریم‌های آمریکا به شدت ناپایدار شده و کسری‌های آن تشدید شده است. درحال حاضر به‌دلیل نامشخص بودن ابعاد مختلف کرونا بر اقتصاد کشور و اقتصاد جهانی، صحبت از اصلاح بودجه زود است. چنانچه بحران فعلی حداکثر تا اردیبهشت پایان یابد و کسب‌وکارها فعال شوند، نیازی به اصلاح اساسی بودجه نخواهد بود و دولت می‌تواند با اختیارات و مجوزهای قانونی موجود بودجه را اجرا کند (جزئیات آن در ادامه ارائه می‌شود). سطح مداخله دولت در اقتصاد نیز محدود به اقداماتی نظیر اعطای تسهیلات، کمک هزینه به خانوارها یا تعویق پرداخت مالیات‌ها خواهد شد که بار مالی آن (مطابق رویه معمول) عمدتا ازطریق تعمیم دولت به بانک‌ها و در نهایت تهات بدهی آنها با بانک مرکزی (به معنای دیگر چاپ پول) و منابع هدفمندی (فشار مالی به شرکت‌های دولتی) تأمین خواهد شد. درصورتی‌که بحران فراتر از فصل بهار به طول بینجامد و کسب‌وکارهای زیادی تعطیل و افراد زیادی بی‌کار شوند، مهار بحران از توان دولت خارج و احتمالا اداره‌شده در سال جاری با منابع نهادی و بنیادهای انقلابی ممکن خواهد بود. چنانکه در سطور بالایی اشاره شد، اگر بحران کرونا حداکثر تا اردیبهشت تداوم پیدا کند، احتمالا دولت بودجه را با روشی مشابه زیر مدیریت خواهد کرد:

تغییراتی که از دید کارشناسی برای بودجه ۹۹ در نظر گرفته شده، اخذ مالیات از بخش‌هایی است که در وضعیت عادی اقتصادی به دلایلی از پرداخت مالیات معاف شده یا به دلایلی نامشخص به‌ویژه در بخش‌های نامولد، از پرداخت مالیات کنار گذاشته شده یا با تخفیفات بالایی روبه‌رو بودند. در چنین شرایطی احتمالا دستوراتی فراتر از قوه مجریه نیاز است که دریافت مالیات از بخش‌هایی که می‌توانند قلب اقتصاد را دوباره به تپش وادارند، ممکن کند. تصمیمات و مصوباتی که احتمالا از ناحیه سران سه قوه ممکن خواهد بود.

ادامه در صفحه ۵

۱- دولت براساس بند «م» ماده ۲۸ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) می‌تواند در مجموع پنج درصد بودجه عمومی را برای حوادث غیرمتربقه اختصاص دهد. بودجه عمومی معادل ۶۵۰ هزار میلیارد تومان و پنج درصد آن برابر ۳۲ هزار میلیارد تومان است.
۲- ۱۰ درصد صرفه‌جویی مصارف عمومی (۵۷۱۱ هزار میلیارد تومان) برابر ۵۷ هزار میلیارد تومان می‌شود.
۳- درصورتی‌که تنها نیمی از اعتبارات عمرانی تخصیص یابد مبلغ ۴۰ هزار میلیارد تومان آزاد خواهد شد.

۴- چنانچه صادرات نفت خام کشور را برابر ۴۰۰ هزار بشکه در روز فرض کنیم و قیمت نفت در سال ۱۳۹۹ را به طور متوسط برابر ۳۵ دلار درنظر بگیریم، مجموع عواید حاصل از نفت برابر پنج میلیارد دلار خواهد شد که با خالص صادرات گاز (چهار میلیارد دلار) آن عواید حاصل از صادرات نفت و گاز ۹ میلیارد دلار می‌شود. چنانچه ۱۴.۵ (چهارده‌ونیم) درصد به شرکت ملی نفت و مابقی آن به دولت اختصاص یابد (با سهم صفر صندوق توسعه ملی) ۷.۸ (هفت‌میزهشت) میلیارد دلار برای دولت باقی خواهد ماند. با احتساب پنج میلیارد دلار آن (برای کالاهای اساسی) با ارز چهارهزارو ۲۰۰ تومان و بقیه با ارز ۱۵ هزار تومانی، منابع ریالی دولت ۶۳ هزار میلیارد تومان خواهد شد. مابه‌التفاوت این ۶۳ هزار میلیارد تومان با رقم پیش‌بینی در قانون (۷۸ هزار میلیارد تومان)، ۱۵ هزار میلیارد تومان می‌شود (کسری منابع در بخش عواید نفتی).

۵- منابع صرفه‌جویی‌شده (برندهای ۲.۱ و ۳) برابر ۱۳۰ هزار میلیارد تومانی می‌شود که با احتساب کسری بند ۴ به‌طورخالص ۱۱۵ هزار میلیارد تومان منابع در اختیار دولت خواهد بود.

۶- درآمدها (منه‌های عواید نفتی و انتشار اوراق قرضه) در مصوبه تلفیق حدود ۳۰۰ هزار میلیارد تومان تعیین شده است. درصورتی‌که تنها ۶۰ درصد درآمدهای تحقق‌شده، دولت بدون درخواست قانونی (نظیر لایحه اصلاح بودجه یا مصوبه سران قوا) قادر به موازنه منابع و مصارف بودجه سال جاری خود خواهد بود.

ضرورت تصویب یک بودجه فوری در سران سه‌قوه حسین راغفر، اقتصاددان

قانون بودجه ۱۳۹۹ پیش از آنکه کشور با بحران کرونا روبه‌رو شود هم دچار چالش جدی بود. با توجه به اینکه در لایحه بودجه، به‌جای درنظرگرفتن درآمد مالیاتی و حذف معافیت‌های مالیاتی، بر فروش یک میلیون بشکه نفت در روز برپایه هر بشکه نفت ۵۰ دلاری، تکیه شده بود، امکان تحقق آن بسیار دور از نظر بود؛ به‌واقع چشم‌انداز آتی کشور بدون کرونا هم قابل ادامه و تداوم نبود، اما این بیماری، بحران‌هایی را که گریبان‌گیر اقتصاد بود، تشدید کرد. مقاومتی که دولت هنوز هم در مقابل فرظینه و محدودیت‌هایی اینگونه دارد، بیش از هر چیزی به این بازمی‌گردد که اعمال این محدودیت‌ها را باید در حوزه اقتصاد هم بپذیرد. این در حالی است که بخش قابل توجهی از هزینه‌های دولت مربوط به حقوق و دستمزد است و با درآمد‌هایی که برای دولت در نظر گرفته شده، عملا امکان هیچ نوع فعالیت دیگری وجود ندارد. در سنوات قبل، به‌ویژه در دو سال گذشته، اقداماتی مانند واردات کالاهای لوکس که به نظر با آگاهی و به‌منظور خارج‌کردن ارز از کشور صورت گرفت، در غیاب سیستم نظارتی و پاسخ‌گویی، موجب ازین‌رفتن اعتماد عمومی شد. حذف مستمر مردم از نظام تصمیم‌گیری‌ها و به‌جای آن سیاست‌گذاری نخبگان اقتصادی، سیاسی و به‌دست‌گرفتن عنان اقتصاد و سیاست‌گذاری‌های کشور برای جامعه بسیار پرهزینه بود.

یکی از ویژگی‌های شرایط بحران آن است که مردم ناگزیرند به توصیه‌های مسئولان تا حدود زیادی عمل کنند و این فرصت دیگری برای نظام حکمرانی ماست که برای بازسازی آنچه در سه دهه گذشته تخریب شده، اقدام کند. برای ادامه کار هم کماکان باید به‌نوعی فرصت مشارکت مردم از یابین به بالا نه و دستوری را فراهم کرد. به بیانی دیگر، باید به نقش واقعی احزاب سیاسی، رسانه‌ها و سازمان‌های مدنی توجه کرد تا مردم از طریق تشکل‌های خود

یادداشت

حسابرسان در چالش با تداوم فعالیت



● درحالی‌که همگان انتظار دارند حسابرسان گزارش‌های حسابرسی بسارکوبانیی موضوع تداوم فعالیت بنگاه‌ها و شرکت‌های تحت رسیدگی‌شان را درنظر بگیرند، شواهد نشان می‌دهد که تداوم فعالیت برخی مؤسسات حسابرسی نیز با فرض تداوم فعالیت مواجه شده‌اند. از دیدگاه اقتصادی مؤسسات حسابرسی در زمره مؤسسات «کاربر» به‌شمار می‌روند چون تعداد زیادی را به‌کار مشغول کرده و سرمایه قابل ملاحظه‌ای ندارند. نگاهی به چند مؤسسه برتر ایران نشان می‌دهد که سرمایه هر یک از آنان حداکثر یک میلیارد ریال با اشتغال حدود ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفر است! به‌طوری‌که حتی محل مؤسسه نیز متعلق به خود مؤسسه حسابرسی نبوده و عموما استیجاری یا مایملک برخی شرکای مؤسسه هستند. به همین علت این‌گونه مؤسسات که بدون تأمین سرمایه و صرفا با سرمایه انسانی تشکیل شده و تعداد قابل ملاحظه‌ای‌شان هم اشتغال تحصیلکردگان را فراهم می‌کنند، از مصادیق مؤسسات دانش‌بنیان به‌شمار می‌روند.

حسابرسی شغلی به‌غایت سخت و از دیدگاه روان‌شناسی کار، زیان‌آور است، چون اساسا با ریسک و نگرانی قضائتی نیز همراه است. کار حسابرسان بسیار سنگین‌تر و خطرناک‌تر از قضات است؛ چراکه اگر قاضی اشتباه کند و متهمی را اشتباها محکوم به اعدام کند شایع شده که محکوم به بهشت خواهد رفت، درحالی‌که اگر یک حسابرس در گزارش‌های خود مرتکب اشتباه شود نه‌تنها جبران خسارت واردشده را باید متقبل شود، بلکه هزاران اتهام و… را نیز باید متحمل شود. به همین دلیل در جهان پیشرفته شان و منزلت حسابرسان، به‌دلیل مسئولیت‌های اجتماعی و نقش‌باز و ارزنده‌ای که در اطمینان بخشی به بازارهای سرمایه که قلب پرتحرک نظام سرمایه‌داری است، جایگاه خاصی دارد. شاید بتوان در شرایط فعلی که کادر درمان و پزشکی کشور به‌عنوان «حفاظن سلامت عمومی» معرفی شده‌اند، حسابرسان را نیز «حفاظن سلامت مالی کشور» قلمداد کرد. چنانکه حداقل بدون گزارش حسابرسی تمام بافته‌های سازمان بورس و اوراق بهادار و نتایج عملیات بانکی کشور بشیزی ارزش نخواهد داشت.

حسابرسان امین و چشم بیدار ملت در فرایند برقراری حکمرانی خوب، شفاف‌سازی و پاسخ‌گویی هستند. ویژگی حسابرسان آن است که اولا پایگاه دانشگاهی «فرهیختگان دانش» را دارند و ثانیبا به‌دلیل نقش‌شان در اقتصاد کشورها از ابعاد مسئولیت‌های اجتماعی دارای «پایگاه مردمی» نیز هستند. خصوصیات شغلی حسابرسان آن است که در شرایط که در ماه‌های پایانی سال همگان به‌دنبال خرید شب عبید و سور پایان سال هستند «به‌استثنای سال گذشته»،

ناچارند در فرایند انبارگردانی در این یا آن شهر دور از خانواده باشند و در ایام تعطیلات تابستانی کشور که بسیاری با خانواده‌های خود با سفر و مسافرت می‌بندند نیز هدایت آن‌ها پایان سال مالی عموم شرکت‌های ایرانی آخر اسفندماه و تا پایان تیرماه سال بعد مهلت دارند مجامع خود را برگزار و اظهارنامه‌های مالیاتی خود را ارائه کنند. حسابرسان ناچارند در این چهار ماه نیز حتی شبانه‌روزی به تکمیل فرایند حسابرسی بنگاه‌های خصوصی و دولتی پرداخته و شرمنده زن و بچه و خانواده‌های خود از عدم همراهی با آنان در تعطیلات شوند.

درحال حاضر جامعه حسابداران رسمی ایران به‌عنوان نهاد نظارتی حرقه حسابرسی کشور، بازوی شفاف‌سازی دولت در بازارهای مالی-پولی به‌شمار می‌رود. این جامعه حدود ۲۵۰ مؤسسه حسابرسی کشور با حدود ۱۲ هزار نفر شاغل دانشگاهی را شامل می‌شود که حداقل تحصیلات آنها لیسانس «عموما حسابداری» است؛ به همین علت و بدون شک بخشی از فرهیختگان کشور به‌شمار می‌روند. با این وصف، براساس صورت‌های مالی جامعه حسابداران رسمی ایران که در تارنمای جامعه مذکور قابل دسترسی است متوسط حقوق و مزایای پرداختی به حسابرسان شاغل در مؤسسات حسابرسی با حداقل پنج سال سابقه کار با اوقات کاری ۵۳ ساعت در هفته «شامل اضافه‌کار» حداکثر رقمی حدود سه میلیون تومان بوده و کل درآمد حرفه حسابرسی کشور از بسیاری پرونده بدهکاران بانکی که در زندان ویژه به استراحت مشغول هستند، کمتر بوده است! که جای تأسف و دریغ در مقایسه با شغلهای کاذبی است که نقش مخربی نیز در اقتصاد دارند.

بررسی اوضاع شیوع آیدیمی کروناویروس نشان داده که در اوایل استفاده مؤسسات حسابرسی در چالش با ایدیمی کروناویروس در وضعیت ناپایداری به‌سر می‌برند. مؤسسات حسابرسی کشور عملا جزء مؤسسات دانش‌بنیان تلقی می‌شوند زیرا جزء سرمایه‌فکری و ثروت انسانی فاقد هرگونه سرمایه و دارایی هستند.

ادامه در صفحه ۵